شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان اردبیل

عنوان

انفاق و آثار آن از دیدگاه آیات و روایات

پژوهشگر

سارا محمودی

چکیده

انفاق با توجه به معنای لغوی و کاربرد رایج در قرآن کریم عبارت است از اعطای مال یا چیز دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر افراد نیازمند.
در قرآن مجید راجع به انفاق تاکیدات فراوان شده و برای انفاق کنندگان پاداشهایی بزرگ و ماندگار تعیین گریده است. انفاق به عنوان عمل صالحی است که اگر مطابق دستور قرآن کریم انجام پذیرد، جامعه اسلامی را همیشه به عنوان سیمایی مطلوب برای امت خود قلمداد نموده و باعث درونی شدن هر چه بهتر فرهنگ و ارزشهای اقتصادی اسلام در نهاد افراد می گردد. همچنین اصل انفاق به عنوان یک ارزش دینی است که قرآن و اسلام، آن را نردبانی برای تقرب به سرچشمه کمال و جمال و زیباترین جلوه های عشق یعنی خداوند متعال می داند. از نظر قرآن یکی از وظایف مهم افراد در جامعه اسلامی، دستگیری از نیازمندان و تهیدستان است، هرکس به اندازه امکانات و توانمندی خویش وظیفه دارد که خلاءهای موجود در زندگانی افراد را جبران و کمبودهای آنان را پاسخگو باشد. کمک به افراد نیازمند اگر همراه با خلوص نیت و به خاطر رضای پروردگار باشد دارای تأثیرات بی شماری است. اهمیت این مسئله، محقق را بر آن داشته است تا این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهد و هدف از آن بررسی جایگاه و ارزش انفاق و آثار آن می باشد.

واژگان کلیدی: انفاق، آیات و روایات

مقدمه

هر علمی جز علوم اهل بیت، اگر چه معرفتی در درون داشته باشد، به منزله آب شور است و بر تشنگی می افزاید. و هیچ فایده ای جز هلاکت ندارد، اگر امروز علم و مسیر آن، صحیح است چرا جامعه روز به روز به قهقرا حرکت می کند؟ چرا اختلاف فراوان رفاهی و در آمدی طبقاتی با چنین فقر موحش، نه تنها در قاره‌های مختلف بلکه در داخل کشورها و شهرها با وجود ارائه آخرین روش والگوی رشد و برنامه های توسعه، همچنان گسترده است و نابرابری های فزایند ثروت رفع نشده است؟!

مال و ثروت یکی از نعمت‌های بسیار ارزشمند الهی است که خداوند نصیب عده‌ای نموده تا در سایه‌ی آن به رفع نیازهای خویش و جامعه و سیر کمالات انسانی بپردازند لکن این نعمت هم چون سایر نعم الهی وقتی به انسان سپرده شد دستخوش تغییرات و آلودگی‌های دنیوی گشت، عده‌ای به بهانه‌ی آرامش فکری خود و گروهی بر پایه طبیعت خام و ناپخته شان، آن را تا تعلق قلبی و حب شدید و متراکم، چون پشم پر تراکم گوسفندان پیش بردند.

اسلام با از بین بردن اختلاف طبقاتی غیرعادلانه ای که در اثر بی عدالتی های اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیداشده، برنامه وسیعی در نظر گرفته است که تحریم ربا خواری به طور مطلق، وجوب پرداخت مالیاتهای اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند آن ها و تشویق به انفاق، وقف و قرض الحسنه قسمتی از این برنامه را تشکیل می دهد. و از همه مهمتر زنده کردن روح ایمان و برادری در میان مسلمانان است.

واژه شناسی انفاق

آنچه از مرور دیدگاه اهل لغت در مورد معنای واژه‌ی انفاق به دست می‌آید آن است که این واژه از ریشه‌ی «ن-ف-ق» مشتق شده و در اصل لغت به معنای کم شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است.[1]

جایگاه انفاق در قرآن

انفاق و بخشش در راه خدا و کمک مالی به افراد محروم و مخصوصا آبرومند، توأم با خلوص نیت از اموری است که در آیات قرآن مجید کراراً بر آن تکیه شده، و از نشانه‌های ایمان ذکر شده است. که در اینجا به نمونه ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

«اَلَّذینَ یُنْفِقون امْوالَهُم باللّیلِ و النَّهارِ سیراً وَ عَلانِیَةً»[2]

ریشه‌های انفاق

چرا برخی انفاق می‌کنند، چه چیزی موجب بذل و بخشش آن‌ها می‌گردد، به راستی ریشه‌های انفاق چیست؟ با تفحصی هر چند کوتاه در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) می‌توان از امور زیر به عنوان ریشه‌های انفاق نام برد.

ایمان:

ایمان و انفاق ارتباط بسیار تنگاتنگی با یکدیگر دارند. انفاق از آثار ایمان است و ایمان از شرائط پذیرفته شدن انفاق. خداوند هنگامی که می‌خواهد تفاوت ایمان و کفر را برای مردم روشن و آشکار نماید مثالی ذکر می‌کند که در آن ایمان را به انفاق و مؤمن را به انفاق کننده تشبیه می‌کند «خداوند مثالی زده: برده‌ی مملوکی را که قادر به هیچ چیز نیست و انسان (با ایمان) را که رزق

---

[1]- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج14، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، 1426ق، ص 242 «ماده نفق».

[2] - سوره بقره(2)، آیه 274.

نیکو به او بخشیده است و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او د اده است، انفاق می‌کند آیا این دو نفر یکسانند.[1]»

محبت

خداوند انسان‌ها را دارای عواطف و احساسات آفرید و دل‌های آن‌ها را کانون محبت قرار داد تا آن‌ها در کنار یکدیگر دارای یک زندگی سعادتمندانه و توأم با مهر و عطوفت باشند. به راستی کاری که عشق و محبت می‌کند کاری است کارستان که از توان دیگر نیروها و انگیزه‌ها بر نمی‌آید.

سخاوت

برخی دارای خلق و خوی بخشندگی و سخاوتمند و این خلق پسندیده و ستوده آن‌ها را دست و دلباز بار می‌اورد و موجب ظهور و بروز بذل و بخشش از طرف آن‌ها می‌گردد. سخاوت از بهترین صفات آدمی و از مشهورترین و معروفترین صفات پیامبران الهی و اولیا و انسان‌های شایسته است.

1- جوانمردی

انفاق و دستگیری از محرومان و درماندگان نشانه وجود روحیه مروت و جوانمردی در افراد است. مروت و جوانمردی از القاب و صفات ارزنده و مایه افتخار در فرهنگ ماست زمانی که می-خواهند از فردی در حد بالائی تعریف و تمجید نمایند از او به عنوان جوانمرد یاد می‌کنند.

2- احسان

انفاق، از خصلت احسان و نیکوکاری می‌تراود و انفاقگران محسنان و نیکوکارانند. خداوند در سوره لقمان پس از آن که بیان می‌دارند که قرآن هدایت‌گر و رحمت برای نیکوکاران است در توضیح محسنان می‌فرمایند: «**اَلَّذین یُقیمُون الصَّلوةَ وَ یُؤتونَ الزَّکوةَ.**»[2] بنابراین، بدیهی است آن ارزش و اهمیتی که احسان دارد و برای انفاق نیز می‌باشد و آنچه نتیجه و آثار برای احسان

---

[1]- سوره نحل(16)، آیه 75.

[2]- سوره لقمان(31)، آیه 4.

نکند یا وفای به نذر خویش ننماید. اولاً ظالم است و ثانیاً در آخرت هیچ شفیعی و یاوری نخواهد داشت.»[1]

«ظالمان» در اینجا اشاره به ثروت اندوزان بخیل و انفاق کنندگان ریاکار، و منت گزاران و مردم آزاران است، که خداوند آن‌ها را یاری نمی‌کند و انفاقشان نیز در دنیا و آخرت یاورشان نخواهد بود.[2]

دخول در آتش

یکی از عواقب ترک انفاق، دخول در آتش و در زمره‌ی بی‌نمازان محشور شدن است. همان‌گونه که اگر تارک نماز اهل انفاق باشد، انفاقش به حال او سود ندهد، نمازگزاری که اهل انفاق نباشد نیز در قیامت جزو بی نمازان محشور می‌شود، وقتی در قیامت از دوزخیان پرسیده می‌شود:
«ما سَلَکَکُمْ فی سَقَر»[3] چه چیز موجب شد که شما وارد دوزخ شوید در جواب می‌گویند **«لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّین . وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکینَ »**[4] از نمازگزاران نبودیم و به مسکین اطعام نکردیم.[5]

عذاب دردناک الهی

یکی از آثار ترک انفاق عذاب دردناک الهی است که نصیب تارکان می‌گردد. آنهایی که از پرداخت دیون واجب خود طفره رفته و به جمع آوری اموال و تکاثر، زیاده روی کرده و حقوق مستمندان را که از جانب خدا برعهده‌ی انان قرار گرفته بود، پرداخت نکردند: «و کسانی را که

---

[1] - بقره(2)، آیه270.
[2] - مکارم شیرازی و همکاران، همان کتاب، ج2، ص344.
[3] - سوره مدثر(74)،آیه42.
[4] سوره مدثر(74)، آیه44-43.
[5] - محسن قرائتی، همان کتاب، ج 10، ص295.

طلا و نقره جمع‌اوری می‌کنند و آنها را در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناک بشارت ده، روزی که آن‌ها را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده و با آن‌ها صورت‌ها و پهلوها و پشت هایشان را داغ می‌کنند این همان چیزی است که برای خود اندوختید، پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید»[1]

سرّ عدم قبول انفاق

بعد از بیان اهمیت و برکات انفاق و عواقب ترک آن، لازم است که این هشدار نیز به انفاق کنندگان داده شود که شیطان ملعون هیچ‌گاه از اغوا و فریب انسان آرام نمی‌نشیند و تمام جهد خود را برای منحرف کردن بندگان خدا مبذول می‌دارد و از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌ورزد و اگر در مرحله‌ی ابتدایی در جریان انفاق نتوانست مانع شود، در مرحله دوم برای انحراف مسیر انفاق از قبول الهی قدم برداشته تا با وساوس گوناگون آن را از حیّز انتفاع خارج کند؛ به گونه‌ای که انفاق غیر مقبول گردد و با عدم آن یا مساوی شود و یا بدتر از آن گردد.

در همین راستا به یکی از عوامل عدم قبول انفاق پرداخته شده تا انفاق کنندگان با وسعت دید بیشتری در این وادی گام نهاده و ناآگاهانه در دام مبسوط شیطان بر سر راه خویش گرفتار نیایند.

طبق آیه‌ی کریمه‌ی «**ما أَنْفَقْتُم مِنْ خَيْرٍ**»[2]، آن‌چه که انفاق می‌شود باید خیر محض باشد و از هر شرّی مبرّا باشد و ملاک خیریّت، اخلاص و رضایت الهی است، پس انفاقی که در آن کسب شهرت و مقام، منّت، ریا و سمعه باشد، فاقد ملاک قبول است و نه تنها به حا ل انفاق کننده سودی ندارد؛ بلکه در اکثر موارد زیانبار نیز می‌باشد. در قرآن کریم انفاقی که به همراه منّت و آزار و ریا باشد را به سنگ سختی تشبیه کرده که غباری بر آن نشسته و کسی با پاشیدن دانه بر آن،

---

[1] - سوره توبه(9)، آیات 35-34.

[2]- سوره بقره(2)، آیه 215.

قصد بارور ساختن آن را داشته باشد که ریا و منّت هم‌چون رگبار بارانی، نه اثری از دانه‌ها می-گذارد و نه از خاک روی آن سنگ سخت.[1]

پیمودن راه اعتدال و میانه است و بهترین شعار: «**خیر الأمور أوسطها**»[2] است، لکن وقتی در سایه‌ی تقوا، این دو بیراهه را انسان پشت سرگذاشت و در شاهراه انفاق قرار گرفت، شعار قبلی بلااستفاده می‌شود و باید شعار: «**خیر الأمور أکثرها**» را سر داد. اما آنچه که بعد از این مقدمه به عنوان ملاک مطرح است، این است که ایثار و انفاق در عالی ترین سطح، موقعی از گزند اسراف مصون است که شخص انفاق کننده اوّلاً توان کسب مجدد داشته باشد تا سربار جامعه نباشد و ثانیاً انفاق او به گونه‌ای باشد که حقوق افرادی که نفقه‌ی آن‌ها بر او واجب است ضایع نشود؛ زیرا در این صورت واجبی را ترک گفته که مبغوضیت خدا را به همراه دارد

[1] - محمدحسین، طباطبائی، همان کتاب، ج2، ص592.

[2]- محمد مهدی، نراقی، جامع السعادت، ج2، ص12.

نتیجه گیری

انفاق از ریشه "نفق" و در لغت به معنی گذشتن، از بـین رفـتن و تمـام شـدن چیزی است. گرچه برخی از مفسران، " انفاق" را به معنی بیرون کردن مـال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری تفسیر کرده اند، اما به نظر می‌رسد، انفـاق به معنای " تأمین هزینه" است، خواه هزینه مالی باشـد یـا غیـر آن.

انفاق، لازم و ضروری هر مجموعه هماهنگ و هدفدار است. زنـدگی اجتمـاعی بدون تعاون، احسان و ایثار اعضای آن نسبت به یکـدیگر تحقـق نمـی پـذیرد و کمال فردی که در پرتو زندگی اجتماعی باید حاصل شود، به دست نمی‌آید .

محدوده انفاق از دید قـرآن کـریم "ممـا رزقنـاهم" اسـت . انفـاق پرواپیشـگان منحصر به مال نیست، آنان از هر رزقی مانند مال، علـم، عقـل، قـدرت، جـاه و جان خود در راه حق نثار و ایثار می‌کنند .

قرآن کریم، انفاق را به عنوان تجارتی پر سود معرفـی نمـوده اسـت . بـر اسـاس روایات، انفاق مالی به شرط اینکه انگیزه ای جز رضای پروردگار نداشته باشـد و از هر گونه ریاکاری و منت و آزار خالی باشد از بهترین اعمال است .

هدف اساسی از انفاق، تهذیب نفس و مبارزه با شح درونی اسـت . انفـاق کننـده پیش از آنکه به گرسنه خدمت کند، به خود احسان مـی کنـد کـه شـح و بخـل درون خویش را ریشه کن کند. به عبارتی سیر شدن گرسنه، گوشـه ای از هـدف انفاق است، نه تمام هدف .

رهائی از تنگناها، پیشگیری از هلاکت جامعه، اسباب نجات در قیامت، طول عمر، آمرزش گناهان و... از دیگر آثار انفاق می‌باشد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

1- بن مکرم ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج14، بیروت: مؤسسۀ التاریخ العربی، 1426 ق

2- بی‌آزار شیرازی ، عبدالکریم، رساله نوین امام خمینی، جلد2، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366 ش.

3- حسینی بوشهری، سید هاشم، ادب نامه پارسیان، چاپ اول، تهران، مسیا، 1391 ش.

4- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، 2جلد، چاپ اول، تهران: محمدی، 1384 ش.

5- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان،10جلد ، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، 1415 ق.

6- قرائتی، محسن، تفسیر نور، 10 جلد، چاپ 8، اوقاف، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1375.

7- مجلسی، علامه محمدباقر، بحارالانوار، 120جلد، لبنان: موسسه الوفاء، بیروت، 1404 هـ

8- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، 27 جلد، چاپ 38، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1379 ش

9- نراقی، مولی احمد، معراج السعاده، چاپ دوم، قم: آل طه، 1388 ش.

10- نراقی، مولی مهدی، جامع السعادات، ج2، چاپ اول، تهران:حکمت، 1366ش